

اقتصاد به زبان ساده

خیلی سریع و آسان می توانید تحولات اقتصادی را تحلیل کنید و دیگر مقالات و اخبار اقتصادی برایتان گنگ و نا مفهوم نخواهند بود.



نویسنده: علی کمیجانی



شما حق فروش این کتاب را ندارید.

شما حق تغییر محتوای این کتاب را ندارید.

انتشار این کتاب در تمام سایت ها رایگان و آزاد است.

این کتاب الکترونیکی به صورت رایگان در اختیار همه علاقه مندان قرار گرفته است.

لطفا در صورت انتشار کتاب به نام سایت مدیریت سرمایه به آدرس

<https://modiriatesarmayeh.com> اشاره فرمایید.

هدف از انتشار این کتاب الکترونیکی افزایش دانش اقتصادی و توانایی تحلیل علاقمندان بوده است.

این کتاب توسط **علی کمیجانی**، نویسنده و سخنران و مشاور سرمایه گذاری نوشته شده است.

علی کمیجانی کیست؟

نویسنده کتاب عبور از رویا (آموزش رازهای نخبگان سرمایه گذاری)

مترجم کتاب میلیونر اتوماتیک اثر دیوید باخ-کتاب پرفروش و برگزیده آمریکا از دیدگاه

نشریاتی چون نیویورک تایمز، وال استریت جورنال، بیزینس ویک

مشاور، سخنران و مدرس سرمایه گذاری و موفقیت مالی

مدیر وب سایت مدیریت سرمایه: <https://modiratesarmayeh.com>

کانال تلگرام: @Modiratesarmaye

فهرست

۱	مقدمه
۳	چرا باید اقتصاد را بفهمیم و آموزش ببینیم؟
۳	تفاوت پول و شبه پول
۵	تاریخچه پیدایش پول
۶	وظایف پول
۷	مهم ترین ارزشهای جهانی
۸	مهم ترین شاخص های اقتصاد کلان
۹	رابطه تورم و بیکاری
۱۰	تورم و اهمیت آن
۱۱	تورم چگونه محاسبه می شود؟
۱۲	چرا با افزایش نقدینگی، قیمت کالاها و خدمات افزایش می یابد؟
۱۳	اقلام قابل و غیر قابل تجارت
۱۳	مفهوم آربیتراژ و همگرایی بازارها
۱۵	مفهوم بازار در اقتصاد
۱۶	قیمت گذاری دستوری مفید است یا خیر؟
۱۸	مفهوم هزینه فرصت در اقتصاد
۱۹	سیاست های پولی و مالی
۲۰	سیاست های پولی انبساطی و انقباضی
۲۲	تبریک به شما

مقدمه

حتما برای شما نیز زیاد پیش آمده است که یک مقاله اقتصادی را بخوانید یا یک خبر اقتصادی را از تلویزیون بشنوید اما خیلی نتوانید با آن ارتباط برقرار کنید. شاید بخواهید سرمایه گذاری کنید یا برای آینده مالی خود برنامه ریزی نمایید، اما در میان تحلیل های متنوع اطرافیان و سایت ها امکان تصمیم گیری مناسب را از دست داده اید.

شاید با یک مثال ساده بتوان راحت تر موضوع را روشن کرد. هنگامی که این کتاب الکترونیکی را می نویسم تابستان ۹۷ است و مثالی که خواهم زد به این زمان تعلق دارد. اگرچه به اعتقاد من چنین نمونه هایی همیشه مصداق خواهد داشت. در بهار با یکی از سازندگان آپارتمان صحبت می کردم او می گفت در حال ساخت بوده و در بهار ۹۶، به بسیاری از آشنایان خود پیشنهاد خرید یکی از واحدهای آن مجتمع را داده بود. تقریبا هیچ کس حاضر به خرید نشده و همه گفته بودند با سود ۲۰٪ بانکی، سرمایه گذاری بروی ملک کار اشتباهی می باشد. اما در ابتدای تابستان ۹۷ آن ساختمان تقریبا ۶۰٪ رشد قیمت پیدا کرده بود و به نوعی می توان گفت، افرادی که در بانک سرمایه گذاری کرده بودند ۴۰٪ ضرر متقبل شده اند. حال شما فرض کنید فردی ۵۰۰ میلیون در بانک سپرده گذاری کرده باشد، ۴۰٪ این مبلغ برابر با، ۲۰۰ میلیون خواهد بود.

شما در موقعیت های مشابه چگونه تصمیم می گیرید؟ آیا با دانش کافی تصمیمات اقتصادی می گیرید یا صرفا به نظرات دیگران استناد می کنید؟ برای هر فردی که می خواهد زندگی مالی موفق داشته باشد، فرض است که خود شخصا تصمیم گیری کند و مسئولیت کامل تصمیم های خود را به عهده بگیرد. این جمله البته به معنی نفی مشورت یا استفاده از تجربه

دیگران نیست، بلکه منظور آن است که وظیفه تصمیم گیری کاملا برعهده خودمان است و هر نتیجه ای اعم از خوب یا بد، به پای ما نوشته می شود.

برای آنکه تصمیم ها و انتخاب های درستی داشته باشیم باید از دانش خوبی برخوردار باشیم، اما هنگامی که سراغ کتاب ها و روزنامه ها می رویم با انبوهی از عبارات و اصطلاحاتی مواجه می شویم که برایمان مفهوم نیست.

آیا شما نیز نمی توانید با سایت ها و مقاله ها اقتصادی ارتباط برقرار کنید و تمایل دارید دانش خود را افزایش دهید؟

اگر پاسخ تان به سوالهای بالا مثبت است، این کتاب دقیقا برای شما نوشته شده است. پس به خواندن آن ادامه دهید.

شما با خواندن این کتاب با برخی از مهم ترین و پرکاربرد ترین مفاهیم و اصطلاحات اقتصادی آشنا می شوید و در نتیجه مطالعه مقالات و کتاب های اقتصادی، دیگر برایتان سخت و نامفهوم نخواهد بود. این کتاب ادعا ندارد که شما پس از این، به مطالعه هیچ مقاله یا کتاب دیگری نیاز نخواهید داشت، بلکه با خواندن آن، می توانید گام مهمی در افزایش دانش مالی و اقتصادی خود برداشته و مسیر پیشرفت خود را با سرعت بیشتری طی کنید و کسب تحلیل اقتصادی در میان مدت با تلاش و مطالعه برایتان امکان پذیر می شود.

برای تک تک شما که این کتاب را می خوانید آرزوی موفقیت مالی دارم و تقاضا دارم در صورتی که مطالب کتاب برایتان جالب بود، آن را برای یکی از عزیزانتان بفرستید.

چرا باید اقتصاد را بفهمیم و آموزش ببینیم؟

۱- تا بتوانیم تصمیمات اقتصادی بهتری بگیریم. این دلیل کاملاً واضح است و نیاز به توضیح بیشتری ندارد. اگر دانش مناسبی داشته باشیم، می‌توانیم برای آینده خود بهتر تصمیم گرفته و از فرصت‌های سرمایه‌گذاری استفاده بهتری کنیم.

۲- بهتر می‌توانیم پدیده‌های اقتصادی اطرافمان را توضیح دهیم. به طور مثال چرا کشور ایران با ۸۰ میلیون جمعیت به اندازه کل قاره اروپا با ۸۰۰ میلیون جمعیت گاز مصرف می‌کند؟

۳- تصمیم‌ها دولت و محدودیت‌های آن را درک کرده و شاید بتوانیم، با شناخت هر دولتی تصمیم‌های آینده آن را نیز بهتر پیش‌بینی کنیم.

۴- علت رشد و عقب‌ماندگی کشورهای مختلف را تشخیص داده و از تحولات مالی و اقتصادی دنیا تحلیل داشته باشیم.

فکر می‌کنم دلایل بالا به خوبی ضرورت فهم اقتصاد و آشنایی با آن را بیان کرده باشد، پس اجازه دهید بیشتر با دانش اقتصاد آشنا شویم.

تفاوت پول و شبه پول

یکی از اصطلاحاتی که احتمالاً در اخبار یا مقالات اقتصادی می‌خوانید یا می‌شنوید واژه‌های پول و شبه پول است. که در این بخش تعریف مختصر آن‌ها ذکر می‌شود.

پول: به مجموعه اسکناس‌ها و مبالغی که در حساب‌های جاری مردم وجود دارد، پول گفته می‌شود. که به راحتی می‌تواند توسط مردم مورد استفاده قرار گرفته و جابجا شود.

شبه پول: به مبالغی که در حساب های بلند مدت و اوراق قرضه و نظایر آنها قرار دارد، در اصطلاح شبه پول گفته می شود.

در تعاریف معمولاً مبالغ موجود در حساب های کوتاه مدت را نیز در دسته شبه پول حساب می کنند که، به نظر من بهتر است آن را نیز در دسته پول بگنجانیم. زیرا با وجود کارت های بانکی و اینترنت بانک ها، امروزه به راحتی می توانیم مبالغ موجود در سپرده های کوتاه مدت را نیز جابجا کرده و نیازی به حضور در بانک وجود ندارد.

سپرده های دیداری: معمولاً سپرده های جاری که بروی آنها دسته چک تعریف شده و امکان جابجایی وجوه آنها وجود دارد را سپرده های دیداری می گوئیم.

سپرده های غیر دیداری: سپرده های بلند مدت (یک یا چند ساله) یا حساب های پس انداز مسکن را در دسته سپرده های دیداری به حساب می آورند.

اهمیت یاد گیری این مفاهیم در چیست؟

علت اهمیت این مفاهیم آن است که اگر کشور دچار تلاطم اقتصادی شود بسیار مهم است که ترکیب نقدینگی به چه صورت باشد. به طور مثال اگر قیمت طلا و ارز تغییر کند برای اقتصاددانان و دولت بسیار مهم است که آیا حجم پول بیشتر در سپرده های دیداری است یا غیر دیداری! زیرا در شرایط کلی همیشه بخش بزرگی از پول در سپرده های بلند مدت و اوراق سرمایه گذاری است و اگر این ترکیب حتی تغییر کوچکی کند می تواند سبب تلاطم در بخش مسکن و طلا و ارز شود. پس سیاست کلی دولت آن است که جلوی حرکت نقدینگی به سمت حساب های جاری و به تبع آن، بازار های سفته بازانه را بگیرد. یکی دیگر از مضرات حرکت نقدینگی نیز بحث خلق پول است که آن را در دوره های پیشرفته تر توضیح خواهیم داد.

حالا احتمالا برای تان روشن تر می شود که چرا دولت وقتی تلاش نمود، سود سپرده ها را کم کند با برخی از بانک ها مامشات می کرد و این بانک ها راههایی برای دور زدن قانون پیدا می کردند تا بتوانند سود های بالا پرداخت نمایند. زیرا هرچند پرداخت سود بالا برای سیستم بانکی مضر است و دیدیم که چگونه برخی از آنها را به ورشکستگی کشاند، اما از طرف دیگر نیز خارج شدن این پول از حساب های دیداری نیز می تواند باعث تلاطم در اقتصاد شود.

تاریخچه پیدایش پول

اگر بخواهیم تاریخچه پیدایش پول را خیلی ساده و فشرده بیان کنیم، این طور می توان گفت که در زمان های دور مردم برای مبادلات خود از طلا و نقره استفاده می کردند و طبیعی بود که، حمل و نقل حجم بالایی از طلا و نقره به دلایل مختلف بسیار سخت و دشوار بوده است. از جمله سختی ها، بحث امنیت و حفاظت از طلا و نقره در سفر و مبادلات بوده است.

همچنین وقتی شما قصد سفر به منطقه یا کشور دیگری را داشتید، تعیین خلوص طلا و نقره نیز بر سختی معامله می افزوده است. لذا مردم پول خود را در نزد افراد مورد اطمینان قرار داده و از آنها بابت این پول رسید می گرفتند و این رسید وسیله ای برای مبادله می شده است. هر کس این رسید را در دست داشت می توانست به فرد مورد نظر مراجعه و طلا یا نقره را تحویل بگیرد. پس در اینجا دو مفهوم پدید آمد...

پول کالایی : پولی که در ذات خود داری ارزش است.

پول اعتباری: پولی که به واسطه ارزشی که مردم برای آن قایل هستند، اعتبار و جایگاه دارد. مثلا تورم ونزوئلا در سال ۲۰۱۸ یک میلیون درصد می باشد. که نشان از بی ارزش شدن پول این کشور است. زیرا به علت چاپ پول بدون پشتوانه هر روز قیمت ها افزایش پیدا کرده و کشور ونزوئلا دچار بحران شده است و این چنین اعتبار پول خدشه دار شده است.

زیمباوه بعد از سال ۲۰۰۰ و آلمان بعد از جنگ جهانی دوم نیز تجربه چنین مشکلاتی را داشته اند.

وظایف پول

- ۱- ذخیره ارزش: شما می توانید با کمک پول دارایی خود را ذخیره کنید.
 - ۲- واحد سنجش ارزش: با استفاده از پول می توان ارزش کالاها و خدمات را مشخص کرد.
 - ۳- وسیله مبادله: شاید مهمترین کارکرد پول تسهیل مبادلات اقتصادی است. در اقتصاد تهاتری (کالا به کالا) مبادله کار بسیار سخت و دشواری بوده است. فرض کنید شما کشاورز بودید و انگور تولید می کردید و قصد داشتید از فردی گوشت بخرید، در نتیجه یا باید قصاب به انگور احتیاج داشت تا با گوشت آن را معاوضه کند یا باید با فردی دیگر مبادله می کردید با تهیه کالای مورد نیاز قصاب و ارائه آن به وی، گوشت تهیه کنید.
- با اختراع پول مبادله سادگی و سرعت بسیار زیادی پیدا کرد زیرا، افراد، اطمینان دارند که با استفاده از آن می توانند کالاهای مورد نیاز خود را تامین کنند و دیگران نیز آن را به ازای کالا و خدمات خود می پذیرید.

نکته: حال که با کارکرد های پول و مفهوم پول اعتباری آشنا شدید، می خواهیم به بحث ارزهای دیجیتال نیز اشاره کوچکی داشته باشم، برخی پیش بینی می کنند در آینده نزدیک ممکن است حتی نیمی از مبادلات مالی جهانی، با ارزهای جهانی انجام شود و چون ارزهای دیجیتال، ارزش ذاتی ندارند، در نتیجه در زمره پول اعتباری خواهند بود و طبیعی است زمانی پولی به عنوان پول اعتباری دارای مقبولیت خواهد بود که تعداد زیادی از مردم بپذیرند که با آن معامله کنند و آن را در ازای کالا و خدمات خود قبول کنند. پس اگر با گذر زمان افراد بیشتری ارزهای دیجیتال مثل بیت کوین و اتریوم و... را قبول کنند، معاملات جهانی آن افزایش بیشتری خواهد داشت و پرکاربرد تر خواهند شد.

مهم ترین ارزهای جهانی

واحد های پولی در همه جای دنیا جزو پول اعتباری محسوب می شوند و به دلیل جایگاه و وزن اقتصادی هر کشور در دنیا، داری ارزش هستند. مهمترین ارزهای جهانی، دلار، یورو، پوند، فرانک و ین ژاپن هستند. فرانک و ین جزو ارزهایی هستند که ثبات بالایی دارند و در هنگام بحران های جهانی، بسیاری از سرمایه داران، ارز خود را به فرانک و ین تبدیل می کنند. یوان چنن معمولاً ارز مهمی در عرصه جهانی قلمداد نمی شود و به دلیل سیاست دولت این کشور، همیشه ارزش آن به صورت مصنوعی پایین نگه داشته می شود. که این به دلیل سیاست صادرات محور چین می باشد. در این خصوص در دوره اقتصاد به زبان ساده که به صورت رایگان و تصویری خواهد بود بیشتر توضیح خواهیم داد.

مهم ترین شاخص های اقتصاد کلان

اقتصاددانان برای برنامه ریزی بهبود در یک اقتصاد معمولاً سه شاخص را مورد توجه قرار می دهند و آن عبارت است از، تورم، بیکاری و تولید ناخالص داخلی (GDP).

هدف از بهبود اقتصادی در حقیقت ارتقاء این شاخص ها می باشد. طبق تحقیقات جهانی صورت گرفته، کشورهای شادتر هستند که نرخ بیکاری و تورم پایینی داشته باشند. فعالیت و کار کردن سبب احساس مفید بودن شده و با وجود تورم پایین امکان برنامه ریزی اقتصادی میسر می گردد.

تولید ناخالص داخلی (GDP): این اصطلاح را احتمالاً زیاد شنیده اید و به معنی، ارزش کلیه کالاها و خدمات تولید شده در یک زمان مشخص در یک اقتصاد است. این فاکتور را می توان به صورت سالانه یا فصلی تهیه کرد. همچنین این فاکتور را می توان برای یک کشور یا منطقه محاسبه کرد. مثلاً ممکن است بگویند تولید ناخالص داخلی چین یا منطقه یورو (یعنی کل کشورهای اروپایی حوزه یورو)

تولید ناخالص داخلی یکی از فاکتورهایی است که با کمک آن می توان ورود به بحران اقتصادی یا خروج از آن را مشخص کرد. اگر برای دو فصل متوالی این فاکتور کاهش شود، به معنی وجود بحران در یک اقتصاد است و اگر پس از بحران، دو فصل متوالی این عامل افزایشی باشد به معنی خروج از رکود است. که مورد استناد دولتمردان داخلی و بین المللی قرار می گیرد.

سوالی که اینجا ممکن است مطرح شود آن است که چرا ممکن است در کشور یا خارج یک مقام مسئول اعلام خروج از بحران کند، اما اثر آن در زندگی ما مشخص نشود؟

یکی از دلایل پیچیده گی های اقتصاد همین تاخیر تاثیر گذاری تصمیم ها و برنامه های اقتصادی می باشد. به طور مثال اگر امروز برنامه اقتصادی اتخاذ شود، تا اثرگذار شود، ممکن است ۶ ماه تا یکسال طول بکشد تا در زندگی مردم تاثیر بگذارد، به همین دلیل ممکن است یک تصمیم درست، بزودی در زندگی روزمره ما قابل لمس نباشد و برعکس، اشتباه بودن، یک سیاست اقتصادی خیلی زود عیان نشود و مقام مرتبط بدون توجه به هشدارهای کارشناسان، تصمیمات نادرست اتخاذ کند.

رابطه تورم و بیکاری

در کوتاه مدت و در اقتصادهایی که تورم زیر ۱۰ درصد دارند، معمولا این دو عامل رابطه عکس دارند. بنابراین دو شرط مهم وجود دارد، کوتاه مدت و تورم پایین. یعنی ممکن است در کشور ما که معمولا تورم دو رقمی است هم بیکاری بالا و هم تورم بالا داشته باشیم.

به همین دلیل تصمیم گیری در این خصوص گاهی برای سیاست مداران سخت می شود که از میان کاهش تورم یا کاهش بیکاری کدام را انتخاب کنند. انتخاب از این میان این دو تبعات خود را دارد، برای افرادی که در جستجوی شغل هستند، تلاش دولت برای کاهش بیکاری خبر خوشایندی است و ممکن است برای آنان که درآمدی دارند، افزایش قیمت ها به دلیل کاهش بیکاری، نامطلوب باشد.

هرچند در بلند مدت بین بیکاری و تورم ارتباط چندانی وجود ندارد و با اتخاذ سیاست های مناسب می توان با حفظ تورم معقول، بیکاری را نیز کاهش داد.

در دنیای امروز و در اقتصادهای مدرن، تقریبا نمی توان به بیکاری صفر دست یافت که علت آن در چارچوب این کتاب نمی گنجد و در دوره های پیشرفته تر بیان می شود. اما

این به معنی وجود بیکاری شایع و قابل قبول بودن آن در یک اقتصاد پیشرفته نیست. به طور مثال نرخ بیکاری آمریکا معمولاً بین ۵-۶ درصد و اتحادیه اروپا حدود ۷-۸ درصد است.

یکی از دلایل ساده عدم امکان پذیری بیکاری صفر جابجایی نیروها در صنایع و مناطق مختلف است. مثلاً فرض کنید قیمت نفت افزایش یابد، در اینصورت، بنزین نیز افزایش قیمت پیدا کرده و ممکن است شرکت های خودروسازی تولید خود را کاهش دهند و در نتیجه تعدادی از کارگران بیکار شوند و در همان حال، شرکت های اکتشاف نفت با بالا رفتن قیمت نفت، تولید خود را افزایش داده و کارگر بیشتری استخدام نمایند و این امر منجر به جابجایی نیروی کار شود.

یا ممکن است وقتی فردی کار خود را از دست بدهد به علت دریافت بیمه بیکاری مکفی، با هر حقوقی حاضر به کار نشده و پیدا کردن کار برای او طول بکشد.

موارد گفته شده البته شاید بیشتر در مورد اقتصادهای پیشرفته صادق باشد و البته دلایل دیگری نیز وجود دارد که در دوره ویدئویی این آموزش برای شما بیان خواهیم کرد.

تورم و اهمیت آن

همان طور که می دانیم، اکثر کشورها برنامه خود را بر کاهش تورم متمرکز نموده اند که البته کار راحتی به شمار نمی آید. کنترل تورم نیاز به سیاست های پولی و مالی مناسب دارد که در ادامه در این خصوص نیز توضیحات لازم ذکر می شود.

یک نکته مهم در خصوص تورم، بحث تورم انتظاری است، در اقتصاد به صورت ریاضی اثبات می شود که اگر شما انتظار داشته باشید در آینده تورم افزایش یابد، این امر سبب

می شود که قیمت های فعلی با شتاب بیشتری رشد کند و برعکس اگر انتظار شما از آینده تعدیل شود، رشد قیمت ها در زمان فعلی نیز قابل کنترل خواهد بود.

تورم چگونه محاسبه می شود؟

بانک مرکزی برای محاسبه تورم ۳۵۹ قلم کالا را در نظر گرفته و افزایش قیمت آن را برای چند هزار خانوار نمونه، در شهرهای کوچک و بزرگ و روستاها محاسبه می کند و سپس با روش های آماری، میزان آن را برای کل کشور بدست می آورد. طبیعی است که تورم در شهر تهران با یک روستای کوچک متفاوت باشد و یا تورم میان شمال و جنوب تهران تفاوت کند. زیرا این ۳۵۹ قلم، سبد کلی مصرف است و ممکن است، بخشی از آن اصلا در سبد مصرفی من نباشد و در نتیجه افزایش قیمت آن کالا من را متاثر نکند و تورم برای من از تورم عمومی پایین تر باشد و بالعکس آن هم صادق است.

نکته مهم در تورم آن است که معمولا طبقات پایین تورم را ۳-۴ درصد بیشتر از افراد ثروتمند احساس می کنند، زیرا معمولا در سبد مصرفی طبقات پایین مواد غذایی و مسکن سهم بالاتری داشته و در اثر تورم معمولا این اقلام رشد بیشتری می کنند.

بنا براین تورمی که به صورت عمومی اعلام می شود ممکن است برای ما کمی بیشتر یا کمتر معنا داشته باشد.

چرا با افزایش نقدینگی، قیمت کالاها و خدمات افزایش می یابد؟

در اقتصاد معادله ای وجود دارد به نام معادله مقداری پول که عبارت است از $mv=py$ که m برابر با حجم پول، v سرعت گردش پول، p سطح عمومی قیمت ها و y میزان تولید کالا و خدمات است.

قصه ندارم در این نوشته خیلی به مباحث ریاضی بپردازم، زیرا احتمالا برای خوانندگان جذابیت زیادی ندارد. اما تلاش می کنم با توضیحاتی، کاربردهای این معادله را بیان نمایم. با فرض ثابت بودن میزان تولید و سرعت گردش پول، اگر حجم نقدینگی افزایش پیدا کند، قیمت ها نیز افزایش پیدا می کنند. اجازه بدهید با یک مثال ساده این موضوع را روشن کنیم. فرض کنید در اقتصادی کل نقدینگی ۲۰۰۰ واحد پولی و کل کالاهای موجود ۲ موبایل باشد. پس طبیعی است که هر موبایل به قیمت ۱۰۰۰ واحد به فروش می رسد. حال اگر حجم نقدینگی به ۴۰۰۰ واحد پولی برسد، طبیعی است اگر تعداد کالاها افزایش نداشته باشد و ثابت بماند با وجود ۴۰۰۰ واحد پولی و ۲ موبایل، قیمت هر موبایل به ۲۰۰۰ واحد افزایش خواهد یافت. یعنی افزایش نقدینگی اگر همراه با افزایش تولید کالا و خدمات نباشد، به افزایش قیمت ها منجر می شود. فکر می کنم این مثال نشان دهد که چرا افزایش نقدینگی معمولا با خود تورم را به همراه می آورد. حال اگر نقدینگی ۲ برابر می شد، تعداد کالاها و خدمات نیز دو برابر می شد، مثلا تعداد موبایل موجود به ۴ عدد افزایش می یافت، قیمت تغییری نمی کرد. این مثال البته بسیار ساده بحث افزایش نقدینگی و تورم را توضیح می دهد. حالا اگر اجازه دهید یک مثال واقعی را بررسی کنیم، در سال ۹۲ حجم نقدینگی جامعه، حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان بوده است و در سال ۹۷ به ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. پس طبیعی است با این حجم افزایش نقدینگی ما با تورم بالا در سال

۹۷ و احتمالاً ۹۸ روبرو باشیم. البته کنترل نقدینگی راه حل های دشوار اما گریز ناپذیری دارد که در دوره تصویری بیشتر در این خصوص صحبت خواهیم کرد.

اقلام قابل و غیر قابل تجارت

در موضوع تورم یکی از مباحث مطرح، نوع کالاهای موجود است. اقلام قابل تجارت به کالاهایی گفته می شود که قابل تجارت و واردات می باشد، میوه و گوشت و... از این جمله هستند. کالاهای غیر قابل تجارت قابلیت واردات ندارند مثل مسکن، زمین و... به همین دلیل هنگامی که تورم اوج می گیرد ممکن است رشد قیمت آنها از تورم بیشتر باشد، زیرا دولت نمی تواند با واردات آنها، جلوی رشد قیمت شان را بگیرد.

اما دولتها معمولاً، هنگامی که تورم اوج می گیرد، با واردات اقلام قابل تجارت، سعی در کنترل بازار می کنند، که البته راه حل قطعی نبوده و تنها اندکی، قیمت ها را تعدیل می کند.

مفهوم آربیتراژ و همگرایی بازارها

به کسب سود از طریق اختلاف قیمت در دو بازار مختلف آربیتراژ می گویند. این اختلاف می تواند از لحاظ زمانی باشد مثل بازار نقد و آتی، و هم از نظر مکانی مثل تفاوت نرخ در دو بازار در مکان های جغرافیایی متفاوت باشد. اجازه بدهید با کمی توضیح بیشتر، این مفهوم را تشریح کنم. در بحث آربیتراژ دو موضوع مطرح شد، تفاوت در دو بازار یا اختلاف از نظر زمانی.

تفاوت بازارها: وقتی صحبت از تفاوت دو بازار می‌کنیم مهمترین مسئله تفاوت قیمتی دو بازار است. به طور مثال فرض کنید دلار در تهران ۱۰ هزار تومان و در هرات ۹ هزار تومان باشد، این امر به معنی وجود یک تفاوت هزار تومانی میان دو بازار است که برابر ۱۰٪ اختلاف قیمتی می‌باشد. وقتی چنین حالتی پیش می‌آید، بسیاری اقدام به واردات دلار از افغانستان به ایران نموده و در عرض کمتر از یک روز ۱۰٪ سود کسب می‌کنند. البته ممکن است این جابجایی لزوماً از راه قانونی نباشد. این جابجایی پول، آنقدر اتفاق می‌افتد که قیمت در این دو بازار نزدیک به هم شود. یعنی به علت تقاضای زیاد در هرات قیمت افزایش یافته و به ۹۴۰۰ تومان برسد و دلار در تهران به علت عرضه زیاد کاهش یافته و به ۹۶۰۰ تومان برسد. وقتی قیمت دو بازار به هم نزدیک می‌شود، دیگر جابجایی سودی نداشته و بازارها به تعادل می‌رسد.

آرbitراژ می‌تواند حالت‌های خاص‌تر نیز داشته باشد، که در اینجا به همین مثال بسنده می‌کنم.

تفاوت در بازار نقد و آتی: در بورس کالا امکان خرید و فروش سکه و زعفران و... برخی کالاها در سررسیدهای مشخص وجود دارد. که در این خصوص به طور مجزا در یک دوره دیگر، آموزش خواهیم داد. اما در اینجا بدانید که مثلاً شما می‌توانید برای آبان ماه درخواست خرید یا فروش، سکه داشته باشید. مثلاً فرض کنید در تیر ماه قرار داریم و قیمت سکه نقد ۳ میلیون تومان و قیمت سکه آتی با سررسید آبان ماه ۴ میلیون تومان باشد، یک تفاوت یک میلیون تومانی در کمتر از ۴ که سودی ۲۵٪ به معامله‌گر می‌دهد، سبب می‌شود فرد در بازار نقدی (منظور از طلا فروشی‌ها و فرضاً بازار تهران) خرید کرده و در بازار آتی بفروش برساند. طبیعی است که کسب سود ۲۵٪ در ۴ ماه بسیار سود خوبی است و اگر آن را با سود ۲۰٪ بانک‌ها برای یک سال مقایسه کنیم، به اهمیت آن بیشتر پی می‌بریم.

وقتی چنین اختلاف قیمتی میان بازار نقدی و آتی وجود داشته باشد، سرمایه گذاران آنقدر اقدام به خرید و فروش می کنند تا با توجه به این مثال هم قیمت سکه نقدی به علت تقاضا افزایش یافته و اهمیت قیمت سکه آتی کاهش یافته و تفاوت قیمت عملا به صفر متمایل شود.

همگرایی بازارها: حال با توجه به مفهوم آربیتراژ، مفهوم همگرایی بازارها بیشتر درک می شود. به دلیل امکان جابجایی پول میان بازارها، قیمتها به سرعت با هم همگرا می شوند. به طور مثال اگر سکه گران شود، ارز و مسکن هم افزایش قیمت خواهند داشت و بازار سهام نیز رشد خواهد کرد. بطور مثال به علت تفاوت قیمت بنزین در ایران و کشورهای مرزی، دلیل قاچاق بنزین، بحث آربیتراژ و کسب سود در دو منطقه می باشد.

آشنایی با مفهوم همگرایی بازارها می تواند، فرصت های سرمایه گذاری را برای شما بیشتر نمایان سازد، مثلا اگر قیمت دلار افزایش یابد، شرکت های صادرات محور در بورس افزایش قیمت پیدا خواهند نمود و فرصت مناسبی برای سرمایه گذاری ایجاد خواهد شد.

مفهوم بازار در اقتصاد

اکثر ما، وقتی واژه بازار را می شنویم، بازارهای قدیمی شهرمان که تعداد زیادی حجره داشته و افراد در آن داد و ستد می کنند را به یاد می آوریم. اما بازار در علم اقتصاد اشاره به مکان فیزیکی ندارد، اقتصاددانان به مجموعه خریداران و فروشندگانی که به خرید و فروش کالا یا خدمات خاصی مبادرت می کنند، بازار می گویند. کلمه بازار را شما در اخبار و مقالات اقتصادی زیاد مشاهده می کنید و در نتیجه مهم است که بدانید که بازار در اخبار به چه معنایی به کار می رود.

اولین اصل عملکرد صحیح بازار هم، عدم وجود انحصار در یک اقتصاد است. یکی از وظایف دولت نیز جلوگیری از ایجاد انحصار است. مثلاً فرض کنید یک تولید کننده لبنیات در یک جامعه وجود داشته باشد، طبیعی است که او می تواند به هر قیمتی که خواست محصول خود را بفروشد و این به ضرر جامعه تمام خواهد شد، یا فرض کنید در منطقه ای زلزله آمده باشد و امکان تهیه نان برای مردم زلزله زده وجود نداشته باشد و کسی بخواهد از این شرایط سوء استفاده کرده و نان را از سایر شهرها تهیه و در منطقه زلزله زده با قیمت بالا بفروشد، طبیعی است که دولت باید در این زمینه وارد شده و جلوی چنین سوء استفاده ای را بگیرد. مثال هایی از این دست را در اصطلاح شکست بازار نام می گذارند.

شکست بازار به معنی آن است که مکانیسم بازار و عرضه و تقاضای طبیعی جواب نداده و نیاز به مداخله دولت وجود داشته باشد. مثلاً یکی از مواردی که نیاز به دخالت دولت وجود دارد، بحث منافع عمومی است. مثلاً هیچ یک از ما به تنهایی انگیزه اقتصادی نداریم که اگر لامپ چراغ برق کوچه بسوزد آن را تعمیر کنیم، در نتیجه به دولت مالیات می دهیم تا به نمایندگی از ما برای امور کلی جامعه هزینه کند، اما مثلاً اگر در محله ای زندگی کنیم که میوه فروشی در نزدیک آن نباشد، انگیزه اقتصادی خواهیم داشت که با دایر کردن یک مغازه و فروش میوه سود کسب کنیم.

قیمت گذاری دستوری مفید است یا خیر؟

۱- اگر قیمت های دستوری کنار رود مردم متضرر می شوند. انتقاد کاملاً درستی است و ابتدا باید پیش از هر چیز به فکر معیشت مردم بود و باید سطح دستمزدها به نحو مناسبی تامین کننده هزینه های زندگی مردم باشد.

به نظر من مهمتر از افزایش دستمزد های سالانه آنچه موجب بهبود وضعیت مردم میشود، کنترل تورم است. فرض کنید تورم ۲۰ درصد باشد و ما هر سال ۱۵ درصد افزایش دستمزد داشته باشیم، طبیعی است که در این وضعیت هر سال ۵ درصد درآمد ما کاهش می یابد. اما فرض کنید تورم ۵ درصد باشد و ما هر سال ۱۰ درصد افزایش حقوق بگیریم، طبیعی است که میزان افزایش حقوق ما کمتر بوده، اما درآمد واقعی ما افزایش یافته است.

یکی دیگر از نکات مثبت تورم پایین، ایجاد آرامش روانی برای مردم و امکان برنامه ریزی مناسب اقتصادی برای آینده است. مثلا اگر بخواهیم خودرویی خرید کنیم و بدانیم که شرایط اقتصادی ثبات دارد، براحتی برای یکسال یا چند سال بعد خود برنامه ریزی نموده و خرید می کنیم.

۲- عدم کنترل قیمت توسط دولت باعث می شود قیمتها بی حد رشد کند. این نظر که در میان عموم مردم رواج دارد صحیح نمی باشد. در کشورهایی چون ژاپن و آلمان دولت به صورت دستوری قیمت ها را کنترل نمی کند و تورم این کشورها نیز معمولا کمتر از ۳ درصد است. اما در کشور ما دولت و نهادهای نظارتی سعی بر کنترل قیمت دارند، اما به طور متوسط تورم کشورمان، در بیست سال گذشته حدود ۲۰ درصد بوده است. پس مشکل عدم نظارت یا عدم قیمت گذاری و کنترل دولت نیست، آنچه که سبب افزایش قیمت ها می شود، افزایش نقدینگی است. همانطور که در صفحات قبل در مثال پول و موبایل توضیح دادم در صورتیکه تولید کالا و خدمات متناسب با نقدینگی افزایش یابد، تورم کنترل می شود. این کتاب البته منکر نیاز به نظارت و برخورد با متخلفان نیست، اما طبق آموزه های علم اقتصاد می بایست تمرکز اصلی کنترل نقدینگی باشد.

۳- چرا قیمت گذاری دستوری یک اجبار شده است؟ در شرایط تورمی، هزینه تولید نیز افزایش پیدا می کند، به طور مثال، هزینه مواد اولیه، انرژی، دستمزد کارگران و

کارمندان، هزینه اجاره دفتر کار و دیگر هزینه ها، لذا برای تولید کننده به صرفه نیست که با قیمت قبلی محصول خود را تولید کند. (مواردی که افراد سود جویی می کرده و از شرایط سوء استفاده می کنند موضوع دیگری است) تولید کننده اگر ملزم به رعایت قیمت های مشخص شود، یا باید از کیفیت یا کمیت بزند یا کارگاه و کارخانه خود را تعطیل کند. پس اگر دیدید به سوپر محله خود رفته و پنیری خرید کردید و قیمت آن تغییر نکرده بود، اما هنگامی که در آن را باز کردید، مشاهده نمودید که در ظرف نسبت به شرایط قبل مقدار پنیر کمتری وجود دارد، احتمالا می توانید حدس بزنید، ریشه کار کجاست. اما چرا در کشورهای پیشرفته قیمت گذاری دستوری وجود ندارد و قیمت توسط عرضه و تقاضا تعیین می شود؟ دلیل اصلی همانطور که پیشتر بیان شد، کنترل نقدینگی است و ریشه کنترل نقدینگی اصلاح نظام بانکی است. اینکه چرا اصلاح نظام بانکی سخت و دشوار است در دوره های پیشرفته صحبت خواهیم کرد.

مفهوم هزینه فرصت در اقتصاد

یکی از اصول مهم در اقتصاد مفهوم هزینه فرصت است. فرض کنید شما بخواهید در دانشگاه درس بخوانید و ماهانه ۵۰۰ هزار تومان هزینه تحصیل شما باشد، همچنین اگر درس نخوانید و کار کنید، بتوانید درآمدی معادل ۱,۵ میلیون تومان درآمد داشته باشید. بنابراین هزینه تحصیل شما ۵۰۰ هزار تومان نیست بلکه ۲ میلیون تومان است. زیرا ۵۰۰ هزار تومان هزینه مستقیم تحصیل شما بوده و ۱,۵ میلیون نیز به خاطر کار نکردن از دست می دهید، اگر بخواهید دقیق تر این موضوع را بررسی کنید، سود سالانه بانکی را نیز باید در درآمد خود، ضرب نمایید. البته مسئله این کتاب عدم تحصیل در دانشگاه یا ترجیح کار

به تحصیل نیست، بلکه خواستیم با یک مثال، مفهوم هزینه فرصت را نشان دهیم. حال مشخص است که چرا اکثر فوتبالیست ها تحصیل بالایی ندارند. زیرا تحصیل هزینه فرصت بالایی برای آنها دارد. زمانی که لازم است صرف تحصیل کنند را صرف تمرین بیشتر و افزایش مهارت خود می کنند و طبیعی است که بتوانند قراردادهای بالاتری ببندند.

هزینه فرصت در حقیقت مفهوم مهم تری نسبت به بهای تمام شده است. شما در هزینه بهای تمام شده فقط هزینه های مستقیم یک کالا را به حساب می آورید، اما هزینه تمام شده معیار مناسب در تحلیل و سیاست گذاری اقتصادی نیست.

یک مثال شاید موضوع را روشن کند. فرض کنید شما تولید کننده کالایی هستید و بهای تمام شده آن ۱۰۰۰ تومان است، دولت از شما می خواهد این کالا را در بازار ۱۴۰۰ تومان بفروشید، در نگاه اول شرایط مناسبی به نظر می رسد، زیرا ۴۰٪ درصد سود در فروش محصول خود بدست می آورید. اما فرض کنیم، همین محصول در کشور همسایه یک دلار ارزش داشته و هر دلار نیز ۱۰ هزار تومان قیمت داشته باشد. پس شما اگر کالای خود را صادر نکنید ۸۶۰۰ تومان سود را از دست داده اید. اینجا است که برخی ممکن به صورت غیر قانونی کالای خود را صادر کنند و عرضه در داخل کشور کاهش پیدا کند. در نتیجه یک سیاست گذار هنگام طراحی سیاست های اقتصادی بیش از هزینه تمام شده و هزینه های مستقیم، باید به هزینه فرصت توجه کند.

سیاست های پولی و مالی

سیاست مالی: به مجموعه سیاست های دولت در خصوص میزان مخارج دولت و مالیات ها سیاست مالی گفته می شود. دولت ها در تلاشند که اهداف اقتصادی نظیر ثبات قیمت ها، اشتغال کامل و رشد اقتصادی را بدست آورند. به این منظور از مجموعه سیاست های مالی

استفاده می کنند. اگر دولت مخارج خود را افزایش داده و مالیات ها را کاهش دهد، این سیاست سبب رونق اقتصادی، افزایش مصرف شده و در عین حال ممکن است سبب افزایش قیمت ها شود. اگر دولتی، مخارج خود را کاهش داده و مالیات ها را افزایش دهد، سبب کاهش مصرف و احتمالاً کاهش قیمت ها شده و می تواند کسری بودجه خود را کاهش دهد. با توجه به شرایط اقتصادی مختلف، اقتصاددانان سیاست های مالی مختلفی را پیشنهاد می کنند. توجه به این سیاست ها می تواند در برنامه ریزی های اقتصادی ما به عنوان شهروندان این جامعه تاثیر گذار است، به طور مثال اگر دیدیم دولتی بودجه عمرانی و حقوق کارکنان دولت را افزایش داده، می توانید انتظار رونق و حدی از افزایش قیمت را داشته باشیم.

سیاست پولی: یکی دیگر از اصطلاحاتی که در نشریات و کتب اقتصادی زیاد مشاهده می کنید و لازم است که با آن آشنا شوید، سیاست های پولی است. سیاست های پولی رابطه بین نرخ بهره و میزان عرضه پول را تعیین می کنند و به دو دسته انبساطی و انقباضی تقسیم می شوند.

سیاست های پولی انبساطی و انقباضی

سیاست انبساطی: سیاستی است که هدف آن افزایش عرضه پول در جامعه است، بخصوص در شرایط رکود سیاست گذار تصمیم می گیرد با افزایش عرضه پول، تقاضا را افزایش داده و سبب رونق شود.

سیاست انقباضی: در شرایطی که میزان نقدینگی در جامعه زیاد باشد، سیاست گذار با کاهش حجم پول در جامعه، کمک می کند تا رشد نقدینگی کاهش یافته و جلوی رشد قیمت ها گرفته شود.

شایان ذکر است سیاست های پولی و مالی روشهای شناخته شده بین المللی هستند و کل دنیا به کار می روند.

مکانیسم عملی سیاست های انبساطی و انقباضی:

پس از آشنایی با این مفاهیم می خواهیم شما را با روش عملی انجام این سیاست ها توسط بانک مرکزی آشنا کنم.

اگر بانک مرکزی بخواهد حجم پول را کاهش داده و به اصطلاح سیاست انقباضی در پیش بگیرد، می تواند به طور مثلا برای سپرده های ۳ ساله سود، ۳۰ درصد اعلام نماید، یا اوراق قرضه دولتی منتشر کند که دارای سود ثابتی هستند و سود آنها در سر رسید مشخصی پرداخت می شود، که حتما تبلیغات آنها را در رسانه ها زیاد دیده اید. با اینکار مردم مصرف خود را کاهش داده و پول خود را بیشتر سرمایه گذاری می کنند.

برعکس اگر بخواهد پول بیشتری وارد اقتصاد شود، می تواند با کاهش نرخ سود بانکی سبب رونق اقتصادی شود و مردم مصرف خود را افزایش دهند.

البته حالت بهینه یک اقتصاد آن است که بازار بورس در یک اقتصاد قدرتمند باشد و سرمایه های مردم به جای بانک ها روانه بازار سهام شود.

تبریک به شما

به شما بابت به پایان رساندن این کتاب تبریک می گویم. بسیاری از افراد پس از تهیه، یک کتاب یا یک محصول آموزشی، حتی آن را یک بار نیز مطالعه نمی کنند، اما شما با به پایان رساندن این کتاب نشان داده اید که برای افزایش موفقیت مالی و دانش اقتصادی خود انگیزه و عزم جدی دارید، پیشنهاد میکنم برای تقویت دانش اقتصادی و آموزش حرفه ای تر حتما در کارگاه اقتصاد به زبان ساده شرکت کنید یا فیلم آن را تهیه نمایید. به این منظور می توانید به آدرس زیر مراجعه نمایید.

<https://modiriatesarmayeh.com/product/sadeh/>